

## درآمدی بر علم تناسب آیات با تأکید بر سوره «جمعه»\*

دکتر عباس همامی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

E- mail: drabbashemami@yahoo.com

### چکیده:

علم تناسب لفظی آیات، یکی از زمینه‌های بررسی قرآن است که نقش بسزایی در فهم آن دارد. این بحث از دیرباز و با عناوین مختلف مطرح شده است و موافقان و مخالفان درباره آن به جدل پرداخته‌اند. تناسب را می‌توان در ارتباط میان اجزای یک آیه، پیوند آیات با یکدیگر و نیز پیوستگی سوره‌ها با یکدیگر جستجو کرد. تناسب آیات سوره «جمعه» نمونه‌ای بارز از مسأله مذکور است که در این مقاله مورد تأکید قرار می‌گیرد.

**کلید واژه:** تناسب، مناسبت، اتصال، ارتباط، نظم، تعلق، پیوستگی، چینش.

## مقدمه

علم تناسب به عنوان یکی از لوازم تفسیر به رأی جائز (همامی، «تفسیر و تأویل»، ۹۹ تا ۱۰۱) در تفاسیر و کتب علوم قرآنی با عناوینی چون مناسبت، نظم، اتصال و ارتباط و تعلق مطرح شده است و موافقان و مخالفان جدی دارد (همو، چهره زیبای قرآن، ۹ و ۱۰).

نخستین کسی که در این زمینه به بررسی جدی پرداخته، ابوبکر نیشابوری (م. ۳۲۴) است (زرکشی، ۳۶۷/۱ و سیوطی، ۳۶۹/۳ و ۳۷۰) و پس از وی نیز بسیاری از مفسران در این زمینه سخن رانده‌اند، از جمله: تعلیسی (م. ۴۲۷) در *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، طبرسی (م. ۵۴۸) در *مجمع البیان لعلوم القرآن*، فخر رازی (م. ۶۰۶) در *مفاتیح الغیب*، احمد بن زبیر (م. ۷۰۸) در *البرهان فی مناسبت ترتیب سور القرآن*، ابوحنیفان (م. ۷۵۴) در *البحر المحیط*، بقاعی (م. ۸۸۵) در *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، عمادی (م. ۹۸۲) در *ارشاد العقل السلیم الی مزایا کتاب الکریم*.

در قرون اخیر نیز می‌توان از این دانشمندان یاد کرد: آلوسی در *روح المعانی*، سید قطب در *فی ظلال القرآن*، طباطبایی در *المیزان*، حجازی در *التفسیر الواضح* و نیز در *الوحدۃ الموضوعیة*، شلتوت در *تفسیر القرآن الکریم* و نیز در *الی القرآن الکریم*، مراغی در *تفسیر المراغی*، زحیلی در *التفسیر المنیر*، حوی در *الاساس فی التفسیر*، حجّتی و بی آزار شیرازی در *تفسیر کاشف*.

در مقابل نیز گروهی منکر لزوم تناسبند که بدان خواهیم پرداخت.

## لزوم تناسب

آلوسی تناسب را در مواردی لازم می‌داند که بر ماقبل عطف شده باشد (آلوسی، ۲۰۶/۱ و ۲۱۸/۱۸). علامه طباطبایی نیز موجب ارتباط را تنها در سوره‌هایی می‌داند که یکبار نازل شده‌اند و یا آیاتی که پیوستگی آنها روشن است (طباطبایی، ۱۵۰/۶).

برخی نیز چون شوکانی، منکر لزوم ارتباط هستند، وی می گوید: «نزول قرآن بر اساس حوادث مختلف است که این وقایع با هم تفاوت و گاهی تناقض دارند، لذا آیات نیز با هم تناسب نداشتند و سخن گفتن درباره تناسب آیات، سبب می شود که اشخاص نادان یا مغرض تصور کنند که بلاغت و اعجاز قرآن به ظهور این تناسب بستگی دارد و چنانچه کسی این ظهور را نیابد، به عیبجویی می پردازد...» (شوکانی، ۷۲/۱ و ۷۳).

در پاسخ باید گفت: کنار هم قرار گرفتن موضوعات متضاد، منافاتی با تناسب ندارد، چنانکه مدح و ذم با هم تضاد دارند ولی بیان این دو در کنار یکدیگر نه تنها پسندیده است بلکه می تواند موجب تأکید هر یک باشد، چرا که «تعرف الاشياء بأضدادها». نیز باید گفت: تعداد کمی از آیات هستند که وجه یا وجوه ارتباطشان آشکار نیست و با اندکی تأمل می توان حداقل، عدم امکان ارتباط این آیات را نفی کرد. از سوی دیگر چنانچه شرط بیان مطالب، عدم برداشت نادرست اشخاص مغرض یا نادان باشد، باید تمامی آیات متشابه از قرآن حذف گردد، چرا که قرآن خود فرموده است: «فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» (آل عمران/۷)، یعنی آیات متشابه زمینه برداشت نادرست کسانی است که استعداد انحراف دارند (همامی، چهره ...، ۳۵ تا ۴۱).

### وجوه ارتباط

وجوه گوناگونی از ارتباط میان اجزای قرآن کریم وجود دارد که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- تأکید مطلب گذشته: نمونه ای از آن در آیات ۵ و ۶ سوره «انشراح» مشاهده می شود: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

۲- تفصیل و تشریح مطلب گذشته: به عنوان نمونه به آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره «ذاریات» «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» اشاره می شود که به تشریح ویژگی های محسنین که در آیه ۱۶ این

سوره مطرح شده است، می‌پردازد.

۳- بیان مصداق ماسبق: نمونه آن در آیات ۷۵ و ۷۶ سوره «قصص» مشاهده می‌شود که قارون به عنوان مصداق بارز دروغگویان و تهمت زندگان ذکر شده است: «و نزعنا من کلّ امة شهیداً فقلنا هاتوا برهانکم فعلموا ان الحقّ لله و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون ان قارون کان من قوم موسی فبغی علیهم».

۴- تعلیل مطلب گذشته: نمونه‌ای از آن در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره «حجر» مشاهده می‌شود «فصبّ علیهم ربک سوط عذاب ان ربک لبالمرصاد» که آیه دوم، تعلیل آیه اول است.

۵- تبیین مجمل: برای نمونه به آیه ۷۴ سوره «حجر» اشاره می‌شود: «فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجارة من سجيل» که مبین آیه ۱۷۳ سوره «شعراء» است: «و أمطرنا علیهم مطراً فساء مطر المنذرین».

۶- تفسیر مطلق: نمونه آن در آیه ۵ سوره «مائدة» است که تباهی عمل کافر را به شکل مطلق بیان می‌دارد «و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله...» و به وسیله آیه ۱۲۷ سوره «بقره» مقید شده است: «و من یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخرة...».

۷- تخصیص عام: برای نمونه می‌توان به آیات ۲ و ۳ سوره «عصر» اشاره کرد: «انّ الانسان لفی خسر الاّ الذین امنوا...».

۸- تنظیر: مانند اینکه در ابتدای سوره «انفال» اختیار پیامبر (ص) در مورد تقسیم غنائم که سبب ناخشنودی برخی از مسلمانان بوده است، مطرح می‌شود «یسألونک عن الانفال قل الانفال لله و الرّسول فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم...» و در آیه ۶ این سوره، نظیر همین مسأله یعنی ناخشنودی برخی از مسلمانان به سبب خروج از شهر برای قتال بیان می‌گردد: «کما اخرجک ربک من بینک بالحقّ و انّ فریقاً من المؤمنین لکارهون».

البته در مورد این آیات معانی دیگری نیز ذکر گردیده است (زرکشی، ۴۷/۱).

۹- تمثیل: به عنوان نمونه به آیه ۲۱ سوره «حشر» اشاره می شود که بیان می دارد که اگر قرآن بر کوهی نازل می گردید، کوه از خشیت خداوند به خشوع درآمده و از هم می پاشید «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله...» و بدینوسیله به قساوت قلب آنها که خدا را فراموش کرده اند اشاره می کند و در آیه ۱۹ این سوره می فرماید که خداوند آنها را از یاد خودشان برد: «و لا تكونوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم اولئک هم الفاسقون».

۱۰- ذکر متضاد ما سبق: مانند ذکر شب و روز در آیات مختلف از قبیل ۱۰ و ۱۱ سوره «نبا»: «و جعلنا اللیل لباساً و جعلنا النهار معاشاً».

۱۱- استطراد: نمونه آن ذکر لباس معنوی تقوی پس از لباس ظاهری در آیه ۲۶ سوره «اعراف» است: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یوارى سوءاتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیر...».

وجوه ارتباط دیگری نیز از قبیل حسن تخلص، حسن مطلب و انتقال وجود دارد که از ذکر آن صرف نظر می کنیم (بنگرید به سیوطی، «الاتقان»، ۳/۳۷۳ تا ۳۷۵ و معترک الاقرآن، ۴۶۱ تا ۴۸).

## انواع ارتباط میان اجزای قرآن

ارتباط میان اجزای قرآن را می توان به یازده شکل در نظر گرفت:

۱- ارتباط میان اجزای یک آیه: طبیعی است که میان اجزای یک آیه ارتباط باشد و در مواردی چون آیه ۲۶ سوره «رعد» که بین «الله یسبط الرزق لمن یشاء و یقدر» با آیه قبل و دیگر بخشهای آیه در ظاهر ارتباطی نیست، می توان وجوه ارتباطی در نظر گرفت.

۲- ارتباط میان آیات یک سوره با ابتدای آن: ارتباط آیه ۱۲۷ «سوره نساء» «ویستفتونک فی النساء...» و آیه ۱۷۶ این سوره «یستفتونک قل الله» را با آیات (۱ تا ۱۳) سوره مذکور را می توان به عنوان نمونه ذکر کرد.

۳- ارتباط میان آیات مجاور در یک سوره: همانند آیات سوره حمد و یا سوره ناس.

۴- ارتباط آیات غیرمجاور در یک سوره: مانند ارتباط آیه ۴۸ سوره بقره «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...» با آیه ۱۲۳ این سوره «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...».

۵- ارتباط ابتدای یک سوره با انتهای سوره قبل: مانند ارتباط ابتدای سوره حدید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» با انتهای سوره واقعه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ».

۶- ارتباط بخشی از یک سوره با ابتدای سوره بعد: مانند ارتباط آیه ۷ سوره محمد (ص) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» با ابتدای «سوره فتح «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا».

۷- ارتباط بخشی از یک سوره با بخشی از سوره بعد: نمونه آن در آیات ۱۰ تا ۱۷ سوره «شعراء» «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى...» با آیات ۷ تا ۱۴ سوره «نمل» «إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ مُشَاهِدَةً...» می‌شود.

۸- ارتباط بخشی از یک سوره با سوره بعد: مانند ارتباط آیه سوره «عصر» «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خَسْرٍ» با سوره «همزة» «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّكُلِّ هَمَزَةٍ لَمَزَةٍ...»

۹- ارتباط میان بخشی از سوره با سوره دیگر: مانند ارتباط آیات ۲۵ تا ۴۸ سوره هود «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ» با سوره نوح: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ...»

۱۰- ارتباط بخشی از یک سوره با بخشی از سوره دیگر: نمونه آن ارتباط آیات ۱۹ و ۱۱ سوره «حدید» «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَتَّقُوا اللَّهَ...» با آیات ۱۶ و ۱۷ سوره «تغابن» است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ...»

۱۱- ارتباط یک سوره با سوره دیگر: نمونه آن ارتباط سوره‌های «ضحی» و

«انشراح» با یکدیگر است: تناسب میان این دو سوره به اندازه‌ای است که برخی گفته‌اند: ممکن است این دو سوره جمعاً یک سوره باشند (معرفت، ۱/۳۲۳ و ۳۲۴).

### نمونه تکرار موضوع در سوره‌های مختلف

همان گونه که گفتیم ذکر هر موضوعی در یک سوره با هدف کلی سوره و مباحث مطرح شده در آن تناسب دارد.

#### نمونه اول: داستان نوح (ع)

نام حضرت نوح (ع) در بیست و هشت سوره و چهل و سه بار در قرآن آمده است که برای نمونه داستان وی در سوره‌های یونس و صافات به شکل جداگانه و از منظر تناسب نکات مطرح شده در هر سوره با سایر مباحث و هدف کلی آن سوره بررسی می‌شود.

#### الف- آیات ۷۱ تا ۷۳ سوره یونس (ع):

«واتل علیهم نبأ نوح اذ قال لقومه یا قوم ان کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بایات الله فعلی الله توکلت فاجمعوا امرکم ثم لایکن امرکم علیکم غمۃ ثم اقصوا الیّ و لا تنظرون فان تولیتم فما سألتکم من اجر ان اجری إلا علی الله و امرت ان اکون من المسلمین فکذبوه فنجیتاه و من معه فی الفلک و جعلناهم خلائف و اغرقنا الذین کذبوا بایاتنا کیف کان عاقبة المنذرین». با دقت در آیات قبلی این سوره مشخص می‌شود که مطالب زیر مورد بحث قرار گرفته است:

۱. اثبات نبوت پیامبر (ص) و حقایق آیات الهی و بیان حسادت دشمنان: «بسم الله الرحمن الرحیم الرتلک آیات الكتاب الحکیم أکان للناس عجباً أن أوحینا الی رجل منهم أن أنذر الناس و بشر الذین آمنوا...» «آیات ۱ و ۲ و نیز برخی آیات دیگر».

همین مطلب در مورد نوح (ع) نیز مطرح شده است «واتل علیهم نبأ نوح اذ قال...».

۲. توکل بر خدا و عدم هراس از دشمنان دین خدا: «و لا یحزنک قولهم ان العزة

الله جميعاً هو السميع العليم»؛ «ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون»؛ «فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم ان كنا عن عبادتكم لغافلين» (همان سوره، آیات ۶۵ و ۶۲ و ۲۹ و برخی از آیات دیگر). همین مطالب درباره نوح (ع) مطرح می شود: «فعلى الله توكلت...».

۳. برائت پیامبر (ص) از کفار و اعلام استغناء از آنان «و ان كذبوك فقل لي عملي و لكم عملكم انتم بريئون مما اعمل و انا بريء مما تعملون»؛ «قل بفضل الله و برحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون» (همان سوره، آیات ۴۱ و ۵۸ و بعضی آیات دیگر). در مورد نوح (ع) نیز همین مطلب مطرح شده است: «فان توليتم فما سالتكم من اجر...».

۴. اثبات وحی و بیان استواری پیامبر (ص) در طریق ارائه شده از سوی خدا: «قل ما يكون لي ان ابديله من تلقاء نفسي ان اتبع الا ما يوحي الي...» (همان سوره، ۱۵ و برخی آیات دیگر). همین مطالب درباره نوح (ع) مطرح می گردد: «... و امرت ان اكون من المسلمين».

۵. نگاه تکذیب آمیز کافران به پیامبر، یاری خداوند به مؤمنان و اختصاص سرانجام نیکو به آنها: «قال الكافرون ان هذا لسحر مبين»؛ «لهم البشرى فى الحيوۃ الدنيا و فى الآخرة» (همان سوره، ۲ و ۶۲ و بعضی آیات دیگر). در مورد نوح (ع) و مردم او نیز همین مطالب مطرح شده است: «فكذبوه فتجيباه و من معه فى الفلك و جعلناهم خلائف...».

۶. آمدن عذاب الهی و کیفر سخت کفار: «و لقد اهلكنا القرون من قبلكم لئما ظلموا...» «قل إرايتم ان أتیکم عذابه او نهاراً ماذا يستجعل منه المجرمون» (همان سوره، ۱۳ و ۵۰ و برخی آیات دیگر). در آیات پس از آیات مربوط به نوح (ع) نیز مشابهت‌هایی دیده می‌شود که بیانگر وجود مناسبت میان بخش مطرح شده از داستان نوح (ع) در این سوره با هدف کلی آن می‌باشد.

#### ب- آیات ۷۵ و ۸۲ سوره صافات:

«ولقد نادینا نوح فلنعم المجیبون و نجیناه و اهله من الكرب العظيم و جعلنا ذریته هم الباقین و ترکنا علیه فى الآخِرین سلام علی نوح فى العالمین انا كذلك نجزی المحسنین انه من



عبادنا المؤمنین ثم اغرقنا الاخرین»

در این آیات بر خلاف آیات سوره یونس (ع) مجادلات نوح (ع) ذکر نمی‌شود و محور سخن بیشتر شخصیت این پیامبر بزرگ است که طی هشت آیه دو بار با نام از ایشان یاد شده، پنج بار ضمیر به کار رفته و یک بار هم اوصاف وی مطرح گردیده است.

دلیل محور بودن شخصیت ایشان این است که این سوره در مقام بیان سلسله پیاپی دعوت به توحید و ویژگی‌های برجسته منادیان ادیان الهی یعنی پیامبران (ع) می‌باشد.

این مسأله بخصوص از آیه ۷۲ به بعد مشهود است «ولقد ارسلنا فیهم منذرین» در آیه ۷۴ از مخلصین سخن گفته می‌شود «الأعباد الله المخلصین» و بلافاصله پس از آن تعدادی از پیامبران (ع) و نخست، نوح (ع) به عنوان مصادیق مخلصان مطرح شده‌اند. پس از نوح (ع) در مورد ابراهیم (ع) مطالبی بیان شده و در رأس این مطالب پیروی او از نوح (ع) مطرح می‌شود «و ان من شیعته لإبراهیم».

در آیات بعدی از پیامبران دیگری نیز سخن به میان آمده و محور کلام بیشتر شخصیت و ویژگیهای پیامبران (ص) است نه مطالب دیگر.

با مراجعه به داستان نوح (ع) در سوره دیگر مشخص می‌شود که این داستان در هر سوره از زوایای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته که این زوایا یا هدف سوره و اغراض مورد توجه در آن مناسبت دارد به شکلی که چنانچه فرضاً مطالبی که در سوره یونس در مورد نوح (ع) مطرح شده است، به جای مسائل ذکر شده در سوره «صافات» قرار گیرد نوعی ناهمگونی مشاهده می‌شود و از این رو است که گفتیم هر مطلب مطرح شده در یک سوره با هدف کلی و اغراض مورد توجه در آن سوره هماهنگی و مناسبت دارد.

## نمونه دوم- معراج پیامبر (ص)

مسأله اسراء و معراج پیامبر (ص) در سوره‌های (اسراء) و ۵۳ (نجم) مطرح

شده است:

### الف- سوره اسراء، آیه ۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْآيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»

### ب- سوره نجم، آیات ۱ تا ۱۸

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَىٰ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ افْتَمَارُونَ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ».

قبل از بررسی و مقایسه آیات یاد شده، متذکر می‌شویم که جمعی از مفسران بخشی از آیه ۶۰ سوره اسراء «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرْتَاكَ الْاِقْتِنَةَ لِلنَّاسِ» را نیز مربوط به معراج پیامبر (ص) می‌دانند و چون این مسأله مورد اختلاف است (طباطبایی، ۱۴۰/۱۳ تا ۱۴۳) از بحث درباره آن صرف نظر می‌کنیم.

با دقت در این آیات روشن می‌شود که:

۱. در آیه ۱ سوره اسراء مبدأ سیر و مقصد آن مشخص شده است. مبدأ «مسجد الحرام» یعنی قبله دوم مسلمانان که پس از تغییر قبله مورد جدال میان مسلمانان و یهودیان قرار گرفته و مقصد «مسجد الاقصی» است که قلب سرزمین مقدس وعده داده شده به بنی اسرائیل است. ولی در آیات سوره نجم این مبدأ و مقصد ذکر نشده است. تفاوت در اینجاست که در سوره اسراء از موسی (ع) و بنی اسرائیل مشروحاً سخن گفته می‌شود (آیات ۲ تا ۸ و ۱۰۱ تا ۱۰۴). ولی در سوره نجم فقط در یک آیه،

آن هم به عنوان جزئی فرعی در کنار مطلب اصلی، به کتاب موسی (ع) اشاره شده است: «أَمْ لَمْ يَنْتَبِأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى» (آیه، ۳۶)

۲. در آیه ۱ سوره اسراء با استعمال کلمه «أسرى» شبانه بودن معراج مطرح گردیده است. ولی در آیات سوره نجم به این مسأله اشاره نمی‌شود.

باز هم تفاوت در اینجاست که به دلیل طرح بلافاصله مسأله داده شدن کتاب به موسی (ع) در آیه ۲ سوره اسراء که سیر شبانه و انتخاب وی به پیامبری مقدمه آن است؛ با آیه ۱ که در آن از سیر شبانه پیامبر (ص) و نشان داده شدن آیات الهی به ایشان سخن می‌رود، مناسبت وجود دارد. ولی در آیات مجاوز آیات مربوط به معراج در سوره نجم چنین مناسبتی موجود نیست.

### تناسب آیات در سوره «جمعه»

این سوره پاسخی به برخورد و اعتراض یهود به مسلمانان است و در آن، محورهای زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱- تسبیح تکوینی؛ ۲- تسبیح تشریحی به اقتضای بعثت رسول؛ ۳- بعثت رسول در میان امیین؛ ۴- دلایل بعثت در میان امیین، الف- آشکار بودن گمراهی امیین (برخلاف گمراهی یهودیان)؛ ب- شایستگی وراثتی موجود در میان امیین (بر خلاف یهود)؛ ج- بی‌لیاقتی یهود در میزبانی پیامبران؛ ۵- ادعای یهود مبنی بر اینکه اولیاء خدا هستند و پاسخ به این ادعا؛ ۶- تشبیه غیرمستقیم مسلمانانی که نماز جمعه را پاس نمی‌داشتند به یهودیانی که حرمت «یوم السبت» را شکستند.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در این سوره پس از بسمله، بحث از تسبیح تکوینی موجودات برای ملکی قدوس عزیز حکیم مطرح می‌شود، همو که به اقتضای حکمتش پیامبری را بر می‌گزیند تا میان امیین آیات الهی خواند، آنها را پاک گرداند و به ایشان کتاب و حکمت بیاموزد تا تسبیح تشریحی نیز متحقق گردد.

چرا در میان امیین؟ زیرا آنها پیش از این دو گروهی آشکار بودند و طبیعی است که

برای اصلاح جامعه، نخست باید مفسد آشکار را از میان بردارد تا این اعتراض وارد نباشد که چرا به جای برخورد با فساد واضح به برخورد با فساد خفی پرداخته می‌شود. بحث اصلی این سوره با یهودیان است که خود را مقربان خدا می‌دانستند و چنانچه در ابتدای دعوت پیامبر (ص)، یهودیان مورد خطاب قرار می‌گرفتند، این اعتراض مطرح می‌شد که چرا با مشرکان که در گمراهی آشکار به سر می‌برد، برخورد نمی‌شود؟ از سوی دیگر عوامل وراثتی به گونه‌ای بوده است که شایستگی وراثتی در خانواده‌ای از امیین (امت عرب یا غیر اهل کتاب یا اهل ام القری) وجود داشته است «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء» نیز یهودیان لیاقت میزبانی پیامبری جدید را نداشته‌اند که قرآن می‌فرماید: «أفکلما جاءکم رسول بما لا تهوی أنفسکم استکبرتم ففرقاً کذبتم و فریقاً تقتلون» (بقره، ۸۷) یعنی یهودیان نمی‌توانند حامل قرآن باشند چرا که تورات را پاس نداشتند «کمثل الحمار یحمل اسفاراً». در نهایت، بحث از نماز جمعه و مال‌پرستی گروهی از مسلمانان مطرح می‌شود «و اذا رأوا تجارة أو لهواً انفضوا إليها و ترکوک قائماً» و این به سان آنهایی است که بوزینه‌وار ادای تدرین در می‌آوردند: «و لقد علمتم الذین اغتدوا منکم فی السبب ققلنا لهم کونوا قردة خاسئین» (بقره، ۶۵) یعنی مسلمانانی که حرمت عبادت خاص نماز جمعه را نگاه نداشتند همانند یهودیانی بودند که به دستور صریح تورات: «هفتمین روز، سبت یهود، خدای تو است، در آن هیچ کار مکن» (سفر خروج / باب بیستم) وقعی ننهاندند «و سیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون» (شعراء، ۲۲۷).

نتیجه آنکه قرآن مجموعه‌ای است به هم پیوسته و گسستن نظم آن و بی‌توجهی به تناسب آیات و سوره با یکدیگر، مانع از تفسیر صحیح آن است و ذکر هر آیه در هر سوره و در هر جای آن، کاملاً متناسب با آیات مجاور و در راستای هدف کلی سوره است و پیوستگی آیات مجاور، همیشه آشکار نیست و حتی در برخی از موارد ناسازگاری به نظر می‌رسد، ولی با بررسی دقیق آیات، می‌توان وجوه تناسب را دریافت و یا حداقل احتمالاتی برای آن برشمرد.

## منابع

## قرآن کریم

- ألوسی، محمود، روح المعانی، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم.
- اندلسی، ابوحنیان، البحر المحیط، دارالتراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، دار الجیل، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، الوحدة الموضوعیة فی القرآن، دارالکتب الحدیثیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دارالاسلام، القاهرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- رازی، فخرالدین محمد، مفاتیح الغیب، دارالکتب العلمیة، بیروت، افست چاپ دوم، بی تا.
- زحیلی، وهبة، التفسیر المنیر، دارالفکر المعاصر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- زرکشی، بدرالدین محمد، البرهان فی علم القرآن، دارالمعرفة، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- سید قطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، القاهرة، چاپ بیست و پنجم، ۱۴۱۷ق.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، انتشارات رضی، قم، افست چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
- \_\_\_\_\_، معترك الاقران فی اعجاز القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- شوکانی، محمد، فتح القدير بين فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر، الفکر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
- طباطبایی، (علامه) سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، کتابفروشی اسماعیلیان، قم، افست چاپ سوم، ۱۳۹۳ق.

- طبرسی، (شیخ) فضل بن الحسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، افست چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین و مطلع التیرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ش.
- عمادی، ابوالسعود، ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- کتاب مقدس (ترجمه فارسی)، انجمن کتاب مقدس، چاپ سوم، لندن، ۲۰۰۲م.
- مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، بی تا.
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- همامی، عباس، چهره زیبای قرآن، انتشارات بصائر، اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۵ش.
- همامی، عباس، «تفسیر و تأویل - بخش دوم»، مندرج در فصلنامه پژوهش دینی، تهران، شماره سوم (۱۳۸۰).